

بررسی مسائل اجتماعی - اقتصادی جنگل های سامان عرفی کلگی زاگرس در

چهارمحال و بختیاری

مجتبی ایمانی راستابی^{۱*}، حمید جلیوند^۲، مهدی زندبصیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۲

چکیده

جنگل های زاگرس در طی سال های اخیر به دلیل بهره برداری بیش از حد، چرای بی رویه، تغییر کاربری، تصرفات غیر مجاز، آتش سوزی ها، استفاده از تنه و شاخه های درختان برای تأمین سوخت و مصالح ساختمانی و تصرف اراضی جنگلی برای کشاورزی دچار تخریب شدید قرار گرفته اند. اگرچه عامل های مؤثر بر تخریب منابع طبیعی کم و بیش شناسایی شده اند، اما این عوامل از دیدگاه اجتماعی - اقتصادی، کمتر مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی جنگل نشینان جنگل های زاگرس با توجه به هدف های توسعه پایدار است. این بررسی از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد بررسی، تمامی خانوارهای جنگل نشین سامان عرفی کلگی شامل روستایی ۶۵ خانواری بود. جنگل زدائی به منظور کشاورزی، تغییر کاربری اراضی جنگل و چرای دام از موردهایی هستند که سبب تخریب هرچه بیشتر اراضی جنگل شده اند. دلیل این تجاوز به جنگل را می توان مشکل های اجتماعی - اقتصادی مانند پایین بودن سطح درآمد مردم محلی، پایین بودن سطح امکانات زندگی، پایین بودن سطح تحصیلات و پایین بودن سطح فرهنگ زیست محیطی بیان کرد. نتایج پژوهش نشان داد که ۷۴/۵۸ درصد از مردم محلی معیشت خود را وابسته به جنگل می دانند. همچنین از نظر جنگل نشینان، پایین بودن درآمد مردم محلی و وابستگی آنها به شغل اصلی یعنی کشاورزی، اصلی ترین مشکل اجتماعی - اقتصادی و عامل اصلی تخریب اراضی جنگلی است.

واژه های کلیدی: اجتماعی - اقتصادی، تخریب جنگل، مردم محلی، جنگل های زاگرس

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، دانشکده منابع طبیعی، گروه جنگلداری، ساری، ایران

* نویسنده مسئول: Email: mojtaba.rastabi@yahoo.com

^۲ - عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، دانشکده منابع طبیعی، گروه جنگلداری، ساری، ایران

^۳ - عضو هیئت علمی، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء بهبهان، دانشکده منابع طبیعی، گروه جنگلداری، خوزستان، بهبهان، ایران

مقدمه:

خود به یک منبع حیاتی برای امرار معاش تبدیل شده است. به همین دلیل مجموعه‌ای از رابطه‌های مشخص بین جنگل و مردم شکل گرفته که بر اساس آن تعامل با جنگل صورت می‌گیرد. اثر این رابطه‌ها با توجه به منطقه‌های مختلف، نوع زندگی و فرهنگ مردم متفاوت است. در جنگل‌های زاگرس به دلیل نوع زندگی مردم و شرایط سخت زندگی، وابستگی بیشتری نسبت به جنگل‌های دیگر مشاهده می‌شود (۳ و ۴). زندگی مردم ساکن این جنگل‌ها نسبت به دیگر منطقه‌های کشور، پیچیده‌تر و سخت‌تر است. نبود عرصه‌های کار و تولید، بالا بودن افزایش جمعیت در یکان سطح و نبود توسعه اقتصادی متناسب با افزایش جمعیت، سبب وابستگی شدید مردم ساکن در این جنگل‌ها به منابع طبیعی این ناحیه شده است (۳). زاگرس دارای ساختار اجتماعی ایلاتی و ساکنین روستایی است. جنگلداری و مدیریت جنگل‌های زاگرس، وابسته به مسئله‌های اجتماعی، اقتصادی و تعامل مردم با طبیعت است. در شرایط موجود، روستاییان معاش خود را از راه نظام کشاورزی سنتی، دامداری سنتی و شغل‌های آزاد تأمین می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشکل‌های مردم محلی در زاگرس (۳)، تغییر کاربری جنگل به اراضی کشاورزی است.

Riazi (1989)، در پژوهشی با عنوان نگاهی بر روند تخریب در منابع طبیعی تجدیدپذیر کشور، مهم‌ترین عامل‌های تخریب را فقر و زندگی ابتدایی مردم، ناآگاهی مردم، بالا بودن تعداد دام، چرای بی‌رویه و بی‌توجهی به ارزشهای واقعی این منابع ذکر کرده است.

سیاست‌های مدیریت جنگل و چگونگی حفاظت از منابع جنگلی، بیشتر در برگیرنده جوامع در حال توسعه است. در ایران، دلیل اصلی تخریب جنگل‌ها به یک عامل ریشه‌ای یعنی فقر مادی و فقر فرهنگ زیست محیطی برمی‌گردد (۲۱). پایین بودن درآمد سرانه، نبود توسعه یافتگی، کمبود بدیهی‌ترین لوازم اولیه زندگی (۳)، فقدان فرهنگ زیست محیطی و عدم اشاعه آن از سوی مدیریت اجرایی منابع طبیعی (۲۲) سبب شده جوامع محلی برای تأمین نیازهای خود به شدت منابع طبیعی را تحت فشار قرار دهند. لزوم رسیدن به هدف‌های توسعه پایدار، کشاورزی را به‌عنوان یکی از زمینه‌های معیشت و دامداری را به‌عنوان منبع درآمدی دیگر، دارای اهمیت کرده است. به همین دلیل بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه‌های دارای اهمیت ویژه است. هدف این بررسی‌ها فراهم کردن بسترهای لازم برای رسیدن به توسعه پایدار از راه ایجاد یک رابطه تعاملی مناسب بین انسان و محیط‌زیست است.

جنگل‌های زاگرس در برگیرنده ۲۰ درصد خاک کشور است. زاگرس به دلیل‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان منطقه‌ای با اهمیت تلقی می‌شود (۱۴). با وجود اینکه سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، جنگل‌های زاگرس را حمایتی-حفاظتی تلقی کرده؛ اما بهره‌برداری سنتی با هدف تأمین نیازهای معیشتی جوامع محلی در تمامی جنگل‌های زاگرس رایج است (۶). جنگل‌های زاگرس در بیشتر مناطق با جای دادن جمعیت زیادی در

زاگرس را به عنوان وسیله ارتباطی بین انسان ها و طبیعت در جنگل های زاگرس بیان می کنند. Salam & Naguchi (2004)، در پژوهشی در کشور بنگلادش به نقش مدیریت مشارکت مردمی به عنوان مهم ترین راهبرد با توجه به شرایط اجتماعی-اقتصادی منطقه اشاره می کنند. Rishi (2006)، در بررسی در ایالت مدهایای هند نتیجه گیری کرده است که هیچ کدام از دولت و مردم به تنهایی نمی توانند جنگل ها را حفظ و توسعه دهند و باید به کمک هم دیگر برای رسیدن به جنگلداری پایدار تلاش کنند. Bablo (2009)، در پژوهشی به بررسی اهمیت و نقش جنگل در رفع فقر و ایجاد درآمد برای خانوارهای روستای تیگرای در کشور اتیوپی پرداخته است. آنها نتیجه گرفتند که درآمد از راه منابع طبیعی، دومین سهم را در متوسط درآمد کل خانوارهای روستایی بعد از محصول های زراعی دارد. Landry و Chirwa (2011)، به ارزیابی معیشت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانوارهای روستایی در یک منطقه جنگل کاری در کشور موزامبیک پرداخته است. آنها پس از جمع آوری ۳۳۱ پرسشنامه از خانوارهای محلی، به شکاف طبقاتی ثروت بین خانوارهای روستایی اشاره می کنند. آنها نتیجه گرفتند که با ایجاد صنعت جنگلداری و اشتغال می توان شکاف طبقاتی موجود را کاهش داد. Webb (2013)، در پژوهشی به ارزیابی اثرهای اجتماعی-اقتصادی زیست محیطی، با هدف پیش بینی و کاهش خطرهای اجتماعی پرداخته اند. آنها نتیجه گرفتند که برای ارزیابی بهتر باید با مردم محلی و دست اندرکاران منطقه تعامل برقرار کرد.

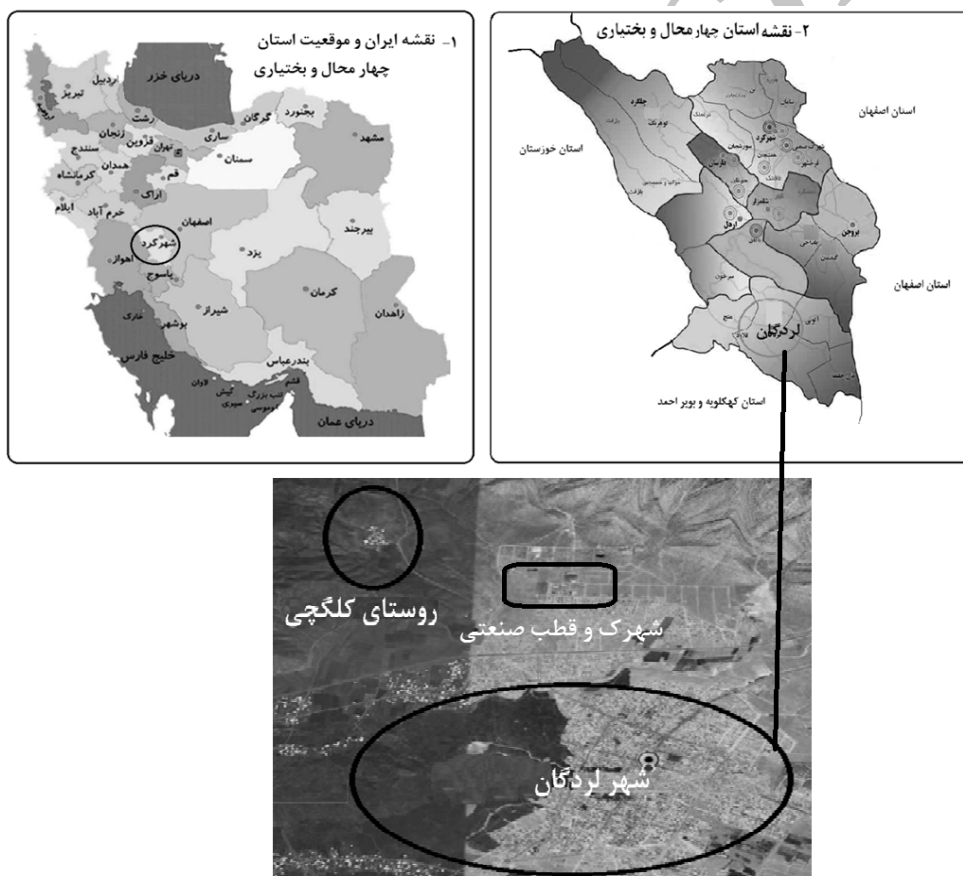
Gorgin (1999) بیان می کند شیوه زندگی در کنار فقر موجود در زاگرس از یک طرف و نظام کشاورزی، دامداری سنتی و رشد جمعیت از طرف دیگر، سبب شده تا عمل حفاظت، احیاء و بهره برداری بر مبنای اصل توسعه پایدار را دچار مشکل کند. Yakhkeshi (2004)، بیان می کند که حفظ مردم بومی در منطقه های جنگلی برای حفاظت، احیاء و توسعه جنگل اشتباه نیست و باید در مدل های جدید توسعه پایدار، مردم محلی را به عنوان مهم ترین عامل همراه با محیط زیست در نظر گرفت. Karami (2006)، در پژوهشی با بررسی مسئله های اجتماعی- اقتصادی جوامع جنگل نشین جنگل های شمال، بی سواد، فقر آموزش، سطح پایین درآمد و وابستگی به منابع طبیعی را به عنوان مشکل های اجتماعی-اقتصادی بیان می کند. اگرچه شرایط جنگل های شمال کشور متفاوت از جنگل های زاگرس است اما برای مدنظر قرار دادن مشکل های سرزمینی توسعه پایدار در جنگل، این بررسی نیز می تواند به تکامل فرآیند پژوهش در جنگل های زاگرس کمک کند. Hoang و Steph (2002)، در بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی در استان لائوکای ویتنام، سطح پایین آموزش و پرورش را مهم ترین مشکل جوامع محلی بیان می کند. در سامان عرفی کلگی، بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی به دلیل رابطه جنگل و مردم محلی از یک طرف و تخریب روزافزون منابع طبیعی و وابستگی معیشتی مردم محلی در منطقه مورد بررسی از طرف دیگر، بسیار با اهمیت است. Ghazanfari (2004)، در پژوهشی بهره برداری های سنتی مردم محلی جنگل های

مواد و روش‌ها:

منطقه مورد مطالعه:

استان چهارمحال و بختیاری با مساحت ۱۶۵۲۳ کیلومترمربع نزدیک به یک درصد مساحت کل کشور را در بر گرفته است. پهنه جنگلی استان با وسعتی نزدیک به ۳۰۰ هزار هکتار، حدود ۱۸ درصد از مساحت استان و حدود شش درصد از مساحت جنگل‌های زاگرس را به خود اختصاص داده است (۱۹۰۹). منطقه مورد بررسی در این پژوهش، سامان

عرفی کلگچی در نزدیکی شهر لردگان است. شکل (۱)، موقعیت روستای کلگچی را نشان می‌دهد. این سامان با مساحتی بالغ بر ۲۲۳۸ هکتار، ۰/۶۷ درصد از جنگل‌های استان را فرا گرفته است. سامان عرفی کلگچی به دلیل نزدیکی به شهرک صنعتی و قطب صنعتی لردگان دارای تنش بالایی با عرصه‌های طبیعی است. این منطقه با تنش شدید اجتماعی-اقتصادی و تخریب جنگل مواجه است (۱۲).



شکل ۱- محدوده منطقه مورد بررسی

بررسی از سطح سامان عرفی موردهایی از تخریب از جمله آتش‌سوزی عمدی در کنده درختان، کت زدن درختان دانه‌زاد و قطع

در این سامان عرفی تخریب‌های طبیعی بسیار کم دیده می‌شود. اما در بیش از نصف مساحت منطقه کشت زیرآشکوب مشاهده می‌شود. با

پژوهش، از روش آماربرداری ۱۰۰ درصد استفاده شد. البته به دلیل اینکه در چند مورد، سرپرست خانوارها برای کار از روستا به شهرهای اطراف رفته بودند؛ از این تعداد خانوار اطلاعاتی ناقص به دست آمد. در نتیجه برای افزایش دقت پژوهش، اطلاعات این تعداد خانوار (نزدیک به ۱۰ خانوار) مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از نظر کارشناسان اداره منابع طبیعی شهرستان لردگان و اداره منابع طبیعی استان برای تکمیل و تأیید سؤال‌های پرسش- نامه استفاده شد.

نتایج:

پس از جمع‌آوری اطلاعات محلی به‌طور کلی نتایج زیر به دست آمد (جدول ۱). نزدیک به ۱۰۵/۳ هکتار از این سامان، مستثنیات شخصی مردم روستا محسوب می‌شود. از این مقدار حدود ۴۰ هکتار، محدوده خود روستا است. یعنی ۶۵/۳ هکتار، اراضی قابل کشت از آن مردم محلی است (۱۲). بعد از جمع‌آوری اطلاعات محلی مشخص شد که در مجموع نزدیک به ۱۰۸ هکتار از اراضی جنگلی توسط مردم روستا کشت می‌شود. یعنی نزدیک به ۵۰ هکتار بیش از حد پیش‌بینی شده و عرف روستا، اراضی جنگلی مورد کشت توسط کشاورزان قرار می‌گیرند.

درختان شاخه‌زاد برای توسعه اراضی کشاورزی دیده می‌شود. کشاورزی در این سامان عرفی به‌طور دیمی (یک فصل در سال) انجام می‌شود. به‌طور معمول کشاورزان، ماه‌های اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد به کشاورزی می‌پردازند و بقیه سال را بیکار هستند.

روش تحقیق:

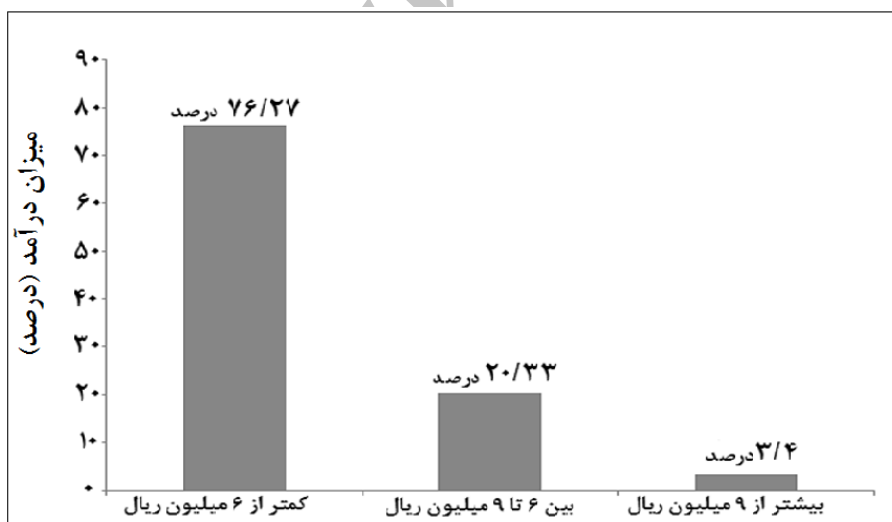
این پژوهش از نوع توصیفی و نظرسنجی با استفاده از پرسش‌نامه است. در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای به منظور بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی تهیه شد. در این پرسش‌نامه سؤال‌هایی مانند تعداد خانوار، تعداد اعضای هر خانوار، سطح سواد، میزان مساحت اراضی کشاورزی، تعداد دام، نوع شغل افراد، متوسط درآمد ماهیانه، متوسط درآمد از راه کشاورزی و متوسط هزینه ماهیانه، مورد پرسش و پاسخ قرار گرفت. درباره چگونگی استفاده از جنگل، به صورت منبع تأمین کننده سوخت، مسکن، چراگاه دام و استفاده از محصول‌های فرعی، از مردم محلی سؤال‌هایی پرسیده شد. در این روستا ۶۵ خانوار سکونت دارند. به‌طور معمول برای نمونه‌برداری در روستاهای ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار، ۳۰ درصد جامعه، روستاهای ۱۰ تا ۵۰ خانوار، ۵۰ درصد و کمتر از آن را به‌صورت ۱۰۰ درصد آماربرداری می‌کنند (۸). در این

جدول ۱- اطلاعات کلی به دست آمده از پرسشنامه توسط مردم محلی روستای کلگچی

متوسط سطح اراضی کشت شده توسط کشاورزان (هکتار)	متوسط هزینه ماهیانه و به ریال	متوسط درآمد از راه‌های دیگر (ماهیانه و به ریال)	متوسط درآمد هر خانوار از راه کشاورزی (سالانه و به ریال)	افراد که فقط کشاورزی می‌کنند (شغل دوم ندارند).	تعداد خانوارهایی که علاوه بر کشاورزی شغل دومی نیز دارند	تعداد خانوارهای که شغل اصلی آنها کشاورزی است	تعداد خانوارهایی که شغل اصلی آنها دامدار هستند	تعداد نیروی در حال کار روستا	تعداد خانوار
۱/۸۴	۷۶۷۰۰۰	۶۵۸۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰	۱۲	۴۰	۵۶	۴	۶۴	۵۹

به گفته مردم محلی و بزرگان روستا، دامداران در طی چند سال گذشته به دلیل کمبود آب (برای گوسفندان) و کمبود علوفه و پرهزینه بودن نگهداری آنها، بیشتر دام‌های خود را فروخته‌اند.

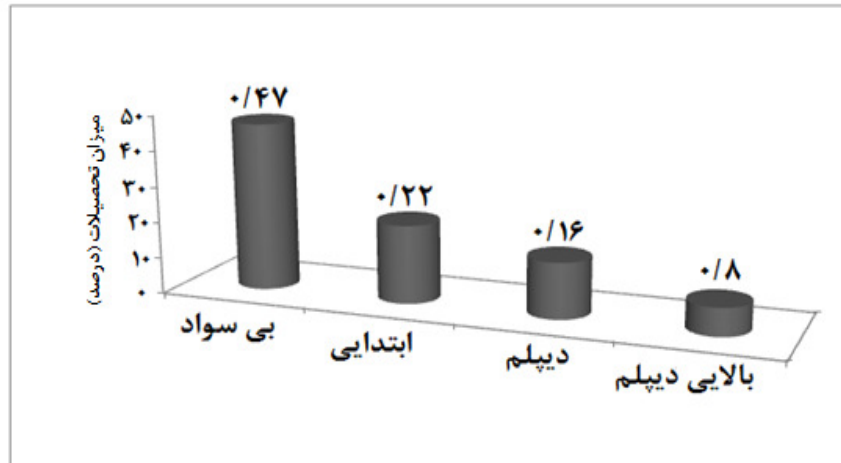
بیشتر خانوارها، جمعیتی بیش از پنج نفر دارند و در بیشتر خانوارها نیروی کار یک نفر است. در این سامان ۵۰۰ هکتار مرتع و ۱۵۰۰ رأس دام برای دامداران محلی پیش‌بینی شده است. اما پس از پرسش و پاسخ از مردم محلی، ۲۱۵ رأس دام و ۴ خانوار دامدار شناسایی شدند.



شکل ۲- توزیع درصد نسبی بر حسب میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان

ماهیانه کمتر از شش میلیون ریال و تنها ۳/۴ درصد پاسخگویان دارای درآمد ماهیانه بیش از نه میلیون ریال بودند.

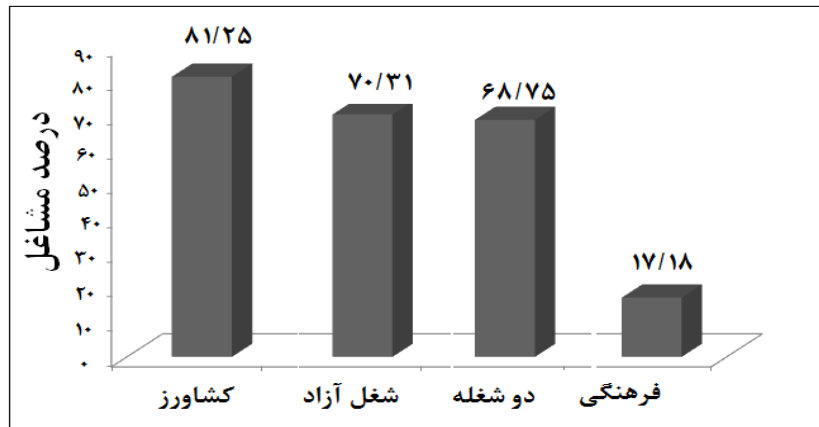
در شکل ۲، نتیجه‌های مربوط به سطح درآمد خانوارهای روستا نشان داد که بیشتر خانوارهای مورد بررسی (۷۶/۲۷ درصد)، دارای درآمد



شکل ۳- توزیع درصد نسبی بر حسب میزان تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات ابتدایی، ۱۶ درصد در حد دیپلم و تنها هشت درصد دارای مدرک تحصیلی بالایی دیپلم بودند (شکل ۳).

براساس داده‌های به دست آمده ۴۷ درصد از پاسخگویان، با بیشترین میزان فراوانی، افرادی بی سواد بودند. ۲۲ درصد از آنها میزان



شکل ۴- درصد نسبی هر کدام از مشاغل نسبت به کل نیروی کار (۶۴ نفر)

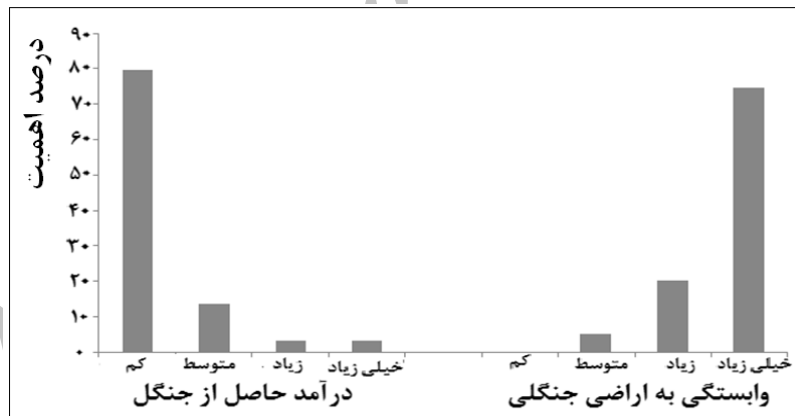
غالب مردم محلی، کشاورزی بود که در اراضی جنگلی، طبق عرف و به شیوه سنتی صورت می گرفت. شغل های آزاد (مانند کارگری) و دامداری رتبه های دیگر را به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج نشان داد که از ۵۲ نفر نیروی کار روستا در عرصه کشاورزی، تنها ۱۲ نفر (معادل ۲۳ درصد)، از آنها فقط کشاورزی

شکل (۴)، سهم شغل های مهم مردم محلی را نسبت به تعداد کل نیروی کار روستا نشان می دهد. طی بررسی مصاحبه ای و پرسش نامه ای از مردم محلی مشخص شد که معیشت مردم محلی به ترتیب اولویت از راه کشاورزی، در درجه دوم شغل های آزاد به ویژه کارگری و دامداری سنتی تامین می شود. شغل اصلی و

ایجاد شغل در همین مناطق جنگلی از این موضوع پیشگیری کرد (۱۱).

برای این روستا از سال ۱۳۸۸ گاز رسانی انجام شده و مردم، از چوب جنگل برای چوب سوخت استفاده نمی‌کنند. با تغییر مصالح ساختمانی و چگونگی ساختمان‌سازی، دیگر کمتر کسی از چوب برای ساختمان‌سازی استفاده می‌کند. اما استفاده از محصولات فرعی به‌ویژه سقز، در این روستا توسط خود مردم محلی و افرادی از استان‌های دیگر، انجام می‌گیرد. با توجه به این که اصلی‌ترین راه امرار معاش مردم محلی، کشاورزی در اراضی جنگلی است اما بیشتر پاسخگویان، معتقد هستند که میزان درآمدشان از جنگل بسیار کم است (شکل ۵).

می‌کنند و بقیه دو شغله هستند. منظور از دو شغله‌ها، افرادی هستند که دارای دو راه کسب درآمد هستند. همچنین در طی پرسش و پاسخ شفاهی از مردم محلی مشخص شد بیشتر آنها به دلیل‌های مختلفی مانند کمبود کار به دلیل آب و هوای سرد استان در فصول بیکاری، برای کار به استان‌های مجاور مهاجرت می‌کنند. بیشتر ساکنین این منطقه به غیر از مهارت در اداره گله به شیوه سنتی و کشاورزی در سطوح جنگلی مهارت حرفه‌ای دیگری ندارند. بر اساس نتیجه‌های ارائه شده در شکل ۴، شواهد موجود در منطقه و نظر ریش‌سفیدان و بزرگان روستا، شغل‌های آزاد و کارگری به‌ویژه در بین قشر جوان روستا در حال افزایش است. از سوی دیگر این جوانان برای کار به شهرها و استان‌های دیگر می‌روند در صورتی که می‌توان با



شکل ۵- توزیع درصد نسبی میزان درآمد حاصل از جنگل و میزان وابستگی به اراضی جنگل

است. ۷۴/۵۸ درصد از افراد، مقدار وابستگی به جنگل را خیلی زیاد می‌دانند، یعنی مردم محلی در تمام موردها اعم از چوب سوخت، کشت زیرآشکوب، تهیه چوب برای مصالح ساختمانی و چرای دام در جنگل به منابع جنگلی وابستگی دارند. از طرف دیگر ۷۹/۶۶ درصد از

بحث و نتیجه‌گیری:

در این پژوهش، میزان وابستگی بیشتر مردم محلی نسبت به جنگل زیاد است. منظور از وابستگی به جنگل، هر گونه استفاده از اراضی جنگلی مانند تهیه چوب سوخت، کشاورزی در اراضی جنگلی و برداشت محصول‌های فرعی

های به دست آمده از سطح درآمد خانوارها نشان داد که بیشتر خانوارهای مورد بررسی (۷۶/۲۷ درصد)، دارای درآمد ماهیانه کمتر از شش میلیون ریال بودند (شکل ۲). اگر خط فقر ماهیانه برای یک فرد بالغ در منطقه های روستایی ۲۰۳۴۷۰ ریال در نظر گرفته شود (۱۳)، مطابق آمار به دست آمده از منطقه مورد پژوهش، با توجه به وضعیت شغلی، وضعیت درآمدی پاسخگویان در شرایط مناسبی نیست و در بیشتر موارد دارای درآمد پایینی است. پایین بودن این سطح درآمد بر اساس حداقل دستمزدها در جامعه است.

جنگل، اثرهای مثبت و منفی فراوانی روی خانوارهای جوامع جنگلی دارد. شناسایی و بررسی مسائل اجتماعی-اقتصادی خانوارهای جنگل نشین و دست اندرکار جنگل برای پیش و اجرای صحیح طرح های مدیریتی دارای اهمیت زیادی است (۲ و ۱۱). بدیهی است شرایط اجتماعی-اقتصادی در ناحیه های روستایی دیگر نمی تواند با جنگل های زاگرس یکسان باشد اما گزارش نتیجه و پیشنهادهای پژوهش های مختلف در این زمینه می تواند مبنای مقایسه برای راهکارهای مدیریتی در سطح کلان تری برای کشور به ویژه در شرایط گذار در حال توسعه را ارائه نماید.

در سامان عرفی کلگی به مشابه دیگر مناطق زاگرس پایین بودن درآمد سرانه به سبب نداشتن شغل های مناسب سبب شده است، تعداد زیادی از خانوارهای این منطقه برای تامین نیازهای زندگی خود وابستگی شدیدی به منابع جنگلی داشته باشند. Steph & Hoang (2002)، Landry & Chirwa (2011)،

افراد، میزان درآمد حاصل از جنگل را کم می دانند، اما به فایده ها و اثرهای جنگل آگاهی دارند (شکل ۵).

در سال ۱۳۶۴ تعداد ۱۵۰۰ راس دام در این روستا شناسایی شده است که مجوز ۵۰۰ راس دام برای منطقه صادر شده است (۱۲). خانوارهای این روستا نزدیک به ۲۱۵ راس دام دارند. در شرایط کنونی مردم محلی به جز فصل زمستان به دلیل محدودیت های شرایط آب و هوایی که امکان چرای دام وجود ندارد و همچنین بعد از برداشت محصولات کشاورزی که دامداران از پس چرای آن استفاده می کنند، در بقیه روزهای سال از عرصه های جنگلی و پوشش گیاهی زیرآشکوب جنگل استفاده می کنند. وضعیت مالکیت این عرف در سال ۱۳۸۷ ثبت شده است. بر این اساس، ۱۰۵/۳ هکتار مستثنیات قانونی اشخاص تشخیص داده شده و بقیه اراضی، ملی محسوب می شود. طبق اسناد اداره منابع طبیعی و پیمایش از منطقه مشخص است که کل منطقه، جنگلی است. اما سطح وسیعی از جنگل های این سامان عرفی مورد ممیزی قرار گرفته است. همچنین دولت به حضور دام در جنگل رسمیت داده است. در این سامان عرفی هیچ گونه طرح گردوکاری و طوبی در آمار اداره منابع طبیعی شهرستان لردگان دیده نمی شود. نتیجه ای از میزان مشارکت مردم محلی در مرحله برنامه ریزی و هدف سازی طرح های جنگلداری دیده نمی شود. همچنین هیچ کارگاه آموزشی و ترویج فرهنگ محیط زیستی در این روستا برگزار نشده است. در حال حاضر، طرح صیانت و طرح کاشت گیاهان دارویی در منطقه به اجرا درآمده است. نتیجه-

بیاورند در نتیجه درآمد حاصل از جنگل را کم اهمیت می‌دانند (شکل ۵).

در این سامان مردم محلی از عرصه‌های جنگلی به روش‌های مختلف کشاورزی، دامداری و بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگل استفاده می‌کنند. بهره‌برداری در زاگرس طبق عرف صورت می‌گیرد (۵).

دلیل اصلی تخریب‌ها در این سامان عرفی، کمبود درآمد سرانه مردم محلی، آگاهی کم در مورد فرهنگ زیست‌محیطی، و از همه مهم‌تر وابستگی شدید مردم این سامان عرفی به کشاورزی و منابع جنگلی است (شکل‌های ۲ و ۵). این نتیجه با پژوهش‌های Steph & Hoang (2002)، Karami (2009) و Riazi (1989)، مشابه است. در سامان عرفی کلگچی، نداشتن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای سبب شده تا مردم محلی به‌ویژه جوانان حداقل شرایط اولیه را برای جذب در شغل‌های دیگر نداشته باشند. از این‌رو شغل‌های آزاد و کارگری به‌ویژه در بین قشر جوان روستا در حال افزایش است. Landry & Chirwa (2011)، در پژوهشی برای کاهش نرخ بیکاری و کارگری، ایجاد جنگلداری صنعتی و ایجاد شغل‌ها در جنگل‌ها را پیشنهاد داده‌اند. اگرچه اجرای نتایج این پژوهش در جنگل‌های زاگرس نمی‌تواند به‌طور مستقیم کاربرد داشته باشد اما به‌نظر می‌رسد همانند نتایج این پژوهش وابستگی شدیدی میان شرایط اجتماعی-اقتصادی و دگرسان‌پذیرهای برون‌محیط سیستم جنگل وجود دارد. با توجه به شرایط اجتماعی-اقتصادی سامان عرفی کلگچی، عدم توسعه یافتگی، نبود ظرفیت‌های کافی برای جذب مردم محلی، عدم وجود طرح-

Karami (2009) و Riazi (1989)، در پژوهش‌های خود، به وابستگی جوامع جنگل-نشین و تخریب اراضی به دلیل‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی توسط آنها اشاره می‌کنند. در سامان عرفی کلگچی پروژه‌های اجرایی به دلیل‌های مختلف مانند کمبود بودجه برای اجرای طرح‌ها، عدم پذیرش مردم محلی و شرایط محیطی منطقه، صورت نگرفته است (۱۲). می‌توان بیان کرد که در زمینه جنگل، کمتر نگرش مشارکت مردم به‌صورت راهکار پیشبرد اهداف جنگلداری مدنظر قرار گرفته است. در شرایط کنونی، اداره منابع طبیعی، هدف صیانت از جنگل‌ها را به‌طور جدی در دستور کار خود قرار داده است و در نظر دارد این هدف را از طریق واگذاری مدیریت جنگل به بهره‌برداران محلی، با نظارت اداره‌های منابع طبیعی عملی کند. در این پژوهش مشخص شد که هرچند ۷۹/۶۶ درصد از مردم محلی درآمدی که از جنگل منابع طبیعی به دست می‌آورند را کم‌اهمیت می‌دانند اما ۷۴/۵۸ درصد آنها معیشت خود را وابسته به جنگل می‌دانند (شکل ۵). این نتیجه با پژوهش‌های Landry & Chirwa (2009) و Bablo *et al.*, (2011)، هم‌خوانی دارد. کشاورزی در منطقه مورد بررسی از نوع دیمی است و تنها در یک فصل از سال می‌توانند از این راه کسب درآمد کنند. با مقایسه هزینه‌ها و درآمدهای ماهیانه خانوارها (جدول ۱) و پژوهش Najafi (2007)، می‌توان دلیل نارضایتی مردم محلی از درآمد حاصلشان از جنگل را توجیه کرد. به بیانی دیگر کشاورزان به دلیل این که نمی‌توانند در تمام طول سال از راه جنگل درآمد به‌دست

بهره‌برداری درست از منابع طبیعی در بین مردم است. دولت نیز باید امکانات و تجهیزات لازم را برای حفاظت بیشتر از جنگل‌ها و کاهش وابستگی مردم به جنگل را فراهم کند. با توجه به شرایط سامان عرفی کلگی پیشنهاد می‌شود تا با توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی مانند صنایع تبدیل مواد غذایی، علاوه بر کمک به اشتغال‌زایی در نواحی روستایی، سبب بهبود وضعیت درآمد و رفاه اجتماعی شود.

قدر دانی

نگارنده‌گان بر خود لازم می‌دانند که از مردم محلی روستای کلگی و کارشناسان اداره‌های منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری تشکر و قدردانی نمایند.

هایی مشارکتی در منطقه، پایین بودن سطح درآمد، آگاهی کم در مورد فرهنگ زیست- محیطی و نبود کلاس یا گارگاه‌های آموزش فرهنگ منابع طبیعی و وابستگی شدید مردم محلی، برای هر گونه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای طرح در این منطقه، پذیرش اجتماعی و جلب نظر مردم محلی ضروری است. این موضوع با نتایج پژوهش‌های Yakhkeshi (2007)، Ghazanfari و همکاران (2004)، Salam & Naguchi (2004) Rishi (2006) و Weeb (2013)، هم‌خوانی دارد. تشدید فعالیت‌های کشاورزی در منطقه مورد بررسی را می‌توان با حمایت از ترویج و مشارکت با مردم محلی، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های دولتی و دیگر سازمان‌های دست‌اندرکار کاهش داد. یکی از راه‌های نجات منابع طبیعی و جنگل‌های زاگرس، نهادینه شدن فرهنگ حفاظت و

References:

- 1- Bablo, B., Muys, B., Negu, F., Tollens, E., Nyssen, J., Deckers, J. & Mathis, E., 2009. The economic contribution of forest resource use to rural livelihoods in Tigray, Northern Ethiopia. *Forest Policy & Economics*, 11: 109-117.
- 2- Carvalho, R.S. & Lovett, A., 2009. Associations between forest characteristics and socio-economic development: A case study from Portugal. *Journal of Environmental Management*, 90: 2873-2881.
- 3- Fattahi, M., N. Ansari, H. Abasi, M. Hasani, 2000. Management of Zagros forests (Case Study: forests of Darbadam in Kermanshah province). Published by Research Institute of Forests and Rangelands, 472 p.
- 4- Ghazanfari, H., 2003. Evaluation of growth and changes in diameter distribution of masses of Oak (*Quercus brantii* Lindl.) in order to adjust the model forest in Bane area. Ph.D thesis, Tehran University, 82 p.
- 5- Ghazanfari, H., M. Namiranian, M. Sobhani & R.M. Mohajer, 2004. Traditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros Mountains of Kurdistan province. *Scandinavian Journal of forest research*, 4: 65-71.
- 6- Ghazanfari, H., M. Namiranian, H. Sobhani, M.R. Marvi Mohadjer & K. Pourtahmasi, 2005. An Estimation of Tree Diameter Growth of Lebanon Oak (*Quercus*

- libani* Lindl.) in Northern Zagros Forests (Case Study, Havareh khole). Iranian Journal Natural Research, 57 (4): 648-662.
- 7- Gorgin, M., 1999. Reviews pastures of Komazaran of Kurdistan Province. 1999. Master's thesis, Mazandaran University, Natural Resources, 136 p.
- 8- Hosseainpour, A., 2003. Study of socio-economic rural communities and its effects on forests. Master's thesis, Gorgan agriculture and natural resources university, 140 p.
- 9- Jahanbazi, H., M. Lotfalian & H. Naqavi, 2011. Modes of operation of turpentine and select the appropriate protection of Zagros forests. Regional Conference of Forests and Environment Sponsors of sustainable development, Boshehr, 28 April, 15 p.
- 10- Karami, A., 2009. Application of Land use with method systemic analysis and AHP in forestry, reforestation and ecotourism (case study: Babolroud watershed). Master's thesis in Sari Agriculture and Natural Resources University, 130 p.
- 11- Landry, J. & W.P. Chirwa, 2011. Analysis of the potential socio-economic impact of establishing plantation forestry on rural communities in Sanga district, Niassa province, Mozambique. Land Use Policy, 28: 542-551.
- 12- Manual design of multi-purpose forestry plan of Lordegan- Kalgachi local system, 2008. 131 p.
- 13- Najafi, B. & A. Shoshtarian, 2007. Estimated poverty line, poverty measurement and analysis of the determinants of rural and urban households in Iran. Journal of Agricultural & Development Economics, 15 (59): 1-24.
- 14- Pirzadian, A., 2008. Survey of local communities in conservation and development project of Zagros forests (case study: Kermanshah province). Master's thesis of forestry, Azad University unit of Science and Research of Tehran, 160 p.
- 15- Riazi, B., 1989. Take a look at the degradation of renewable resources. Iranian Journal of Geographical Research, 18: 26-43.
- 16- Rishi, P., 2006. Joint forest management in India: An attitudinal analysis of stakeholders, Resources, Conservation & Recycling, 51: 345-354.
- 17- Salam, M.A. & T. Noguchi, 2004. Evaluating capacity development for participatory forest management in Bangladesh's Sal forests based on '4Rs' stakeholder analysis. Forest Policy & Economics, 8 (8): 785-796.
- 18- Steph, C., M. Hoang, 2002. Socio-economic Status and Forest Resource Use of Three Villages in Van Ban District, Lao Cai Province. Sourcebook of Existing and Proposed Protected Areas in Vietnam. Second Edition, 52 p.
- 19- Talebi., M., Kh. Sagheb-Talebi & H. Jahanbazi, 2006. Site demands and some quantitative and qualitative characteristics of Persian Oak (*Quercus branti*) in Chaharmahal & Bakhtiari Province (western Iran). Iranian Journal of Forest and Poplar Research, 14 (1): 67-79.
- 20- Webb, N.P., C.J. Stokes, N.A. Marshall, 2013. Integrating biophysical and socio-economic evaluations to improve the efficacy of adaptation assessments for agriculture. Global Environmental Change, In Press, Corrected Proof, Available online 1 June 2013, 14 p.
- 21- Yakhkeshi, A., 2004. Forest & rangeland management and environmental protection management system in comparison with some of the countries. Publisher by Mazandaran University, 314 p.
- 22- Yakhkeshi, A., 2007. Integrated management in the North Caspian forests with community participation. Publisher by mirmah, 48 p.